

Logical Fallacies 8

مغالطات منطقی ۸

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

مغالطه توسل به احساسات (Appeal to Emotions)

مغالطه توسل به احساسات مغالطه مهمی است از این نظر که مغالطات متعددی را در بر میگیرد. مثلا مغالطه جلب ترحم، مغالطه تهدید، مغالطه تطمیع را میتوان در ذیل مغالطه احساسات بحث کرد.

انسان بدون احساسات و عواطف فرقی با ماشین یا کامپیوتر ندارد. لازمه حیات انسانی عشق ورزیدن، شفقت داشتن، با دیدن زیبایی ها به وجد آمدن و با مشاهده صحنه های دردآور دچار حزن و اندوه شدن است. چگونه میتوان کسی که در مواجهه با صحنه هایی که باید دچار شادی، ترس، شفقت یا اندوه شود بی تفاوت است را انسان دانست؟ سعدی به این نکته توجه داشته آنجا که می گوید: تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی.

اینکه بدانیم فرایندهای ذهنی چگونه عمل می کنند از اهمیت ویژه ای برخوردار است. سه نیروی امیال، احساسات و تفکر به رفتار و عمل انسان شکل می دهند. مغز انسان به گونه ای تکامل و تحول یافته تا در خدمت او باشد و او را به امیال و خواسته ها و آرزوهایش برساند تا اینکه به کشف حقیقت پردازد. بدین

علت در حالت متعارف مغز تلاش می کند قوای فکری را در خدمت بگیرد تا امیال و خواسته هایش برآورده شود.

در حالت متعارف، وقتی انسان خواسته ای داشته باشد دچار احساسات و عواطفی متناسب میشود تا او را به این خواسته برساند. مطالعات علمی نشان داده که ابتدا سیستم پاداشی مغز که خاستگاه احساسات است برانگیخته میشود و آنگاه نوروترانزسمیترهایی به لب فرونتال مغز که محل پردازش عقلانی است ارسال می کند و آنگاه بخش مربوط به پردازش های عقلانی تصمیم هایی میگیرد که خود را به شکل رفتار و عمل انسان نشان میدهد. انسان در جهت نیل به امیال و خواسته های خود، تفکر و برنامه ریزی میکند تا در جهت نیل به حقیقت. هر جا پای منافع در میان باشد، در حالت متعارف مغز منافع را در نظر میگیرد و نه رسیدن به حقیقت را.

داستانی را نقل کرده اند از علامه حلی که میبایست در باره احکام مربوط به آب چاه نظر بدهد. او ابتدا دستور داد تا چاه آب داخل خانه خودش را پر کنند و وقتی دلیل آن را پرسیدند در جواب گفت ترسیدم منافع شخصی، من را در صدور حکم، تحت تاثیر قرار دهد.

بدون احساسات، عقلانیتی وجود ندارد و در افرادی که سیستم پاداشی مغز دچار ضایعه و آسیب می شود، استفاده از فکر و برنامه ریزی نیز مختل می شود. این یافته علمی که توسط آنتونیو داماسیو انجام شد نشان میدهد احساسات لازمه عقلانیت است و دیدگاه سنتی را که احساسات را جدای از عقلانیت و دشمن آن تلقی می کرد را باطل کرد.

مغز انسان در حالت پیش فرض به گونه ای فکر و برنامه ریزی می کند تا انسان را در جهت رساندن به خواسته ها و امیالش یاری کند. اینجاست که خصلت منفعت طلبی بر عقلانیت سایه می اندازد. اگر انسان در زمینه تفکر آموزش نبیند و تربیت نشود، همواره منافع خود و گروه خود را به حقیقت ترجیح خواهد داد. اینگونه است که او دچار تعصب و لجاجت می شود و در برابر عقیده دیگران و شواهد و دلایلی که ارائه می کنند، مقاومت نشان میدهد. ریشه حسادت نیز همینجاست. وقتی انسان چشم دیدن نعمت هایی که به دیگران میرسد را نداشته باشد. حسادت نیز سد راه درست و منطقی اندیشیدن انسان میشود.

علت اینکه تاثیر گذاری اینگونه امیال و احساسات را بر تفکر را در این بخش مطرح کردیم این بود که بر روند استدلال تاثیر گذار بوده و آن را تحت تاثیر قرار میدهند.

نقش واضحتر امیال و احساسات در ارتکاب به مغالطه زمانی است که شخص با علم به وجود اینگونه گرایش ها و عواطف در مخاطب، عمداً روی آنها دست گذاشته و بخواهد بجای ارائه دلیل با تمسک به احساسات و امیال طرف مقابل، او را متقاعد کند. یعنی امیال و گرایش ها و احساسات مخاطب جایگزین دلایل و شواهد استدلال کننده شود. مغالطه گر با خود می گوید من دلیلی برای ادعای خود ندارم ولی تو احساساتی داری که میتوانم روی آنها دست بگذارم و خود را از مخمصه نجات دهم.

مثلا با علم به اینکه مخاطب او می ترسد، به ترس متوسل میشود و میگوید اگر فلان کار را انجام دهی برای تو این عواقب را خواهد داشت. یا میداند مخاطب او چه خواسته ها و آرزوهایی دارد در این جهت او را تطمیع می کند و میگوید اگر فلان کار را انجام دهی فلان منفعت عاید تو خواهد شد. در اینگونه موارد به معنای واقعی کلمه شاهد مغالطه هستیم.

شرط استفاده موثر از مغالطه «توسل به احساسات» این است که وضعیت روحی روانی طرف مقابل را بدانیم و در همان جهت او را تهدید یا تطمیع کنیم. وعده دادن پول نفت به مردمی که عاشق پول مفت بودند و کار کردن برایشان یک فضیلت محسوب نمی شد و برای کسی که سخت کار میکند از عبارت «مثل خر کار میکند» استفاده می کردند، فرصتی بود تا مردم را تطمیع کرده و به سرنگونی حکومت پهلوی مجاب کنند. هر چند پس از آن سرنگونی آن مردم راحت طلب دیگر روز خوش ندیدند، اما این کار با برانگیختن حس منفعت طلبی و سودجویی انسان شکل گرفت.

مطرح کردن بحث داعش که دیگر به شکل سازمان یافته وجود خارجی ندارد و هرگز نمی تواند برای یک کشور تهدید جدی باشد، جز اینکه بمب گذاری های کور را انجام دهد برای ترساندن مردم است و استفاده از آن نوعی مغالطه است.

در مغالطه توسل به احساسات به جای استفاده از دلیل و برهان، مغالطه گر تلاش می کند تا با برانگیختن احساساتی نظیر ترحم، ترس، تنفر و نظایر اینها طرف مقابل را متقاعد کند تا ادعایش را قبول کند. چون توسل به احساسات، جای مدرک و استدلال منطقی و عقلانی را می گیرد، به این سبب استفاده از آن مغالطه به شمار می آید.

این مغالطه بیشتر توسط سیاستمداران برای جلب پشتیبانی عوام مورد استفاده قرار میگیرد. این پشتیبانی میتواند برای بدست آوردن رای و یا در وقت جنگ برای تشویق مردم به پشتیبانی و یا سهمگیری در جنگ باشد.

● کسانی که به بهانه گرمای سوزان از پوشیدن چادر به عنوان حجاب برتر خودداری می کنند گناه بزرگی را مرتکب میشوند و باید بدانند که آتش جهنم سوزنده تر است.

در مثال بالا دیده میشود که برای حصول پشتیبانی و سهمگیری در جنگ توسل به حس گناه و ترس مخاطب مشهود است و از استدلال خبری نیست.

اگر توسل به عواطف در کنار برهان صریح برای موثر ساختن استدلال مورد استفاده قرار گیرد، مغالطه به حساب نمی آید به این سبب شناخت مغالطه توسل به عواطف و احساسات مشکل تر از شناخت مغالطه های دیگر است. قصد مغالطه گر بیشتر این میباشد که مخاطب به جای خرد، بر اساس احساسات خود قضاوت کند. برای شناخت این قصد باید گفته مغالطه گر را خالی از جملات احساس برانگیز کنیم. اگر

پس از آن، از گفته چیزی نماند یا فاصله بزرگ میان ادعا و نتیجه باقی ماند، واضح میشود که سخنگو مرتکب مغالطه توسط به عواطف شده است.

مغالطه تهدید (appeal to force)، مغالطه تطمیع (allurement) و مغالطه جلب ترحم (appeal to pity) را میتوان در ذیل مغالطه توسط به احساسات توضیح داد زیرا به گونه ای احساساتی نظیر ترس و ترحم در آنها دخیل هستند.

هرگونه کپی برداری از مطالب این وب سایت بدون ذکر منبع پیگرد قانونی دارد.